



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیرالدين حفظه الله تعالى

موضوع:

۱. مقدمات؛ عقل
۲. مقدمات؛ حجت؛ خلیفه‌ی خداوند؛ روایات رسیده از خلفاء خداوند (واحد و متواتر)
۳. عقاید؛ شناخت ایمان و کفر؛ ایمان و مراتب آن

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: مهدی

تاریخ: ۱۳۹۵/۱۰/۵

منظور امام علی از ناقص العقل و ناقص الایمان بودن زنان چیست؟ آیا زن به دلیل مشکل شرعی که هر ماه دارد و نمی‌تواند مداوم عبادت کند، می‌تواند به کمالی که مرد به آن می‌رسد، برسد؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۵/۱۰/۱۲

لطفاً به نکات زیر توجه فرمایید:

۱. شماری از محدثان شیعه مانند محمد بن جریر طبری (د. قرن ۴ق) در کتاب المسترشد^۱، شریف رضی (د. ۴۰۶ق) در کتاب نهج البلاغه^۲ و سید بن طاووس (د. ۶۶۴ق) در کتاب کشف المحجة لثمره المهجة^۳، همگی به صورت مرسل از امیر المؤمنین علی بن ابی طالب روایت کرده‌اند که پس از جنگ جمل یا نهروان یا گشوده شدن مصر فرمود: «مَعَاشِرَ النَّاسِ! إِنَّ النِّسَاءَ نَوَاقِصُ الْإِيمَانِ نَوَاقِصُ الْخُطُوطِ نَوَاقِصُ الْعُقُولِ، فَأَمَّا نَقْصَانُ إِيْمَانِهِنَّ فَقَعُودُهُنَّ عَنِ الصَّلَاةِ وَالصَّيَامِ فِي أَيَّامِ حَيْضِهِنَّ وَأَمَّا نَقْصَانُ عُقُولِهِنَّ فَشَهَادَةُ امْرَأَتَيْنِ كَشَهَادَةِ الرَّجُلِ الْوَاحِدِ وَأَمَّا نَقْصَانُ خُطُوطِهِنَّ فَمَوَارِئُهُنَّ عَلَى الْأَنْصَافِ مِنْ مَوَارِيثِ الرِّجَالِ، فَاتَّقُوا شِرَارَ النِّسَاءِ وَكُونُوا مِنْ خِيَارِهِنَّ عَلَى حَذَرٍ وَلَا تُطِيعُوهُنَّ فِي الْمَعْرُوفِ حَتَّى لَا يَظْمَعَنَّ فِي الْمُنْكَرِ»؛ «ای گروه مردم! هرآینه زنان را ایمان ناتمام، بهره‌های ناتمام و عقل‌های ناتمام است، اما ناتمامی ایمانشان باز ماندنشان از نماز و روزه در ایام حیض‌شان است و اما ناتمامی عقل‌هاشان این است که شهادت دوزن مانند شهادت یک مرد است و اما ناتمامی بهره‌هاشان این است که میراث‌شان نیمی از میراث مردان است، پس از زنان بد پرهیزید و از خوبانشان بر حذر باشید و از آنان در نیکی اطاعت نکنید تا در بدی طمع نکنند»؛

۱. المسترشد للطبري الإمامي، ص ۴۱۸

۲. نهج البلاغة للشيخ الرضي، ص ۱۰۵

۳. کشف المحجة لثمره المهجة للسيد بن طاووس، ص ۱۷۳

همچنانکه ابن مزاحم منقری (د. ۲۱۲ق) در کتاب «وقعة صفین»^۱ و محمد بن یعقوب کلینی (د. ۳۲۹ق) در کتاب الکافی^۲ به صورت مرسل از آن حضرت روایت کرده اند که در جنگ صفین خطاب به یاران خود فرمود: «وَلَا تُهَيِّجُوا امْرَأَةً بِأَدَى وَإِنْ شَتَمْتُمْ أَعْرَاضَكُمْ وَسَبَبْتُمْ أُمَرَاءَكُمْ وَصُلَحَاءَكُمْ فَإِنَّهُمْ ضِعَافُ الْقُوَى وَالْأَنْفُسِ وَالْعُقُولِ وَقَدْ كُنَّا نُوْمِرُ بِالْكَفِّ عَنْهُمْ وَهُنَّ مُشْرَكَاتٌ وَإِنْ كَانَ الرَّجُلُ لَيَتَنَاوَلُ الْمَرْأَةَ فِي الْجَاهِلِيَّةِ بِالْهَرَاوَةِ أَوْ الْحَدِيدِ فَيَعَيِّرُ بِهَا وَعَقْبُهُ مِنْ بَعْدِهِ»؛ «و زنی را با آزدن به هیجان نیاورید، اگرچه به حیثیتان توهین کنند و به امیران و نیکانان دشنام دهند؛ چراکه جسم و جان و عقل آنان ضعیف است و ما پیشتر هم به خودداری از آنان امر می شدیم در حالی که مشرک بودند و گاه پیش می آمد که مردی در جاهلیت زنی را با چوبدستی یا آهن می زد، پس خودش و فرزندانش پس از او به خاطر آن سرزنش می شدند» و این روایتی است که ابو مخنف ازدی (د. ۱۵۷ق) اصل آن را به صورت مسند از عبد الرحمن بن جندب ازدی از پدرش از علی بن ابی طالب نقل کرده است^۳ و این شاهد و متابعی قوی برای آن محسوب می شود. وانگهی به نظر می رسد که مضمون این روایات، موافق با روایات معتبر و مشهوری از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و این صدور آن ها از آن حضرت را تأیید می کند؛ چنانکه شماری از صحابه مانند ابو سعید خدری، عبد الله بن مسعود، عبد الله بن عمر و ابو هریره همگی روایت کرده اند: «خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فِي أَصْحَى أَوْ فِطْرِ إِلَى الْمُصَلَّى، فَمَرَّ عَلَى النِّسَاءِ، فَقَالَ: يَا مَعْشَرَ النِّسَاءِ! تَصَدَّقْنَ فَإِنِّي أُرِيْتُكُمْ أَكْثَرَ أَهْلِ النَّارِ، فَقُلْنَ: وَبِمَ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟! قَالَ: تَكْثُرُنَ اللَّغْنَ وَتَكْفُرُنَ الْعَشِيرَ، مَا رَأَيْتُ مِنْ نَافِصَاتٍ عَقْلٍ وَدِينٍ أَذْهَبَ لِلْبَّ الرَّجُلِ الْحَازِمِ مِنْ إِحْدَاكُنَّ، قُلْنَ: وَمَا نَقْصَانُ دِينِنَا وَعَقْلِنَا يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ: أَلَيْسَ شَهَادَةُ الْمَرْأَةِ مِثْلُ نِصْفِ شَهَادَةِ الرَّجُلِ؟ قُلْنَ: بَلَى، قَالَ: فَذَلِكَ مِنْ نَقْصَانِ عَقْلِهَا، أَلَيْسَ إِذَا حَاصَتْ لَمْ تَصِلْ وَلَمْ تَصُمْ؟ قُلْنَ: بَلَى، قَالَ: فَذَلِكَ مِنْ نَقْصَانِ دِينِهَا»؛ «رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روز قربان یا فطری به سوی نمازگاه بیرون شد، پس وقتی بر زنان گذشت خطاب به آنان فرمود: ای گروه زنان! صدقه بدهید؛ چراکه من شما را بیشتر اهل آتش دیده ام! پس گفتند: برای چه ای رسول خدا؟! فرمود: بسیار نفرین می کنید و ناسپاس شوهر (یا نزدیکان خود) هستید! از کسانی که عقل و دین شان ناقص باشد کسی را توانتر از شما در ربودن عقل مرد دوراندیش ندیده ام! گفتند: نقصان دینمان و عقلمان چیست ای رسول خدا؟! فرمود: آیا شهادت زن مانند نصف شهادت مرد نیست؟ گفتند:

۱. وقعة صفین لابن مزاحم، ص ۲۰۴

۲. الکافی للکلینی، ج ۵، ص ۳۹

۳. نگاه کنید به: تاریخ الطبری، ج ۴، ص ۶.

۴. مسند الحمیدی، ج ۱، ص ۵۱؛ مسند أحمد، ج ۲، ص ۶۶ و ۳۷۳؛ سنن الدارمی، ج ۱، ص ۲۳۷؛ صحیح البخاری، ج ۱، ص ۷۸، ج ۲، ص ۱۲۶؛ صحیح مسلم، ج ۱، ص ۶۱؛ سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۲۶؛ سنن أبی داود، ج ۲، ص ۴۰۸؛ سنن الترمذی، ج ۴، ص ۱۲۳؛ السنن الکبری للنسائی، ج ۵، ص ۴۰۰؛ من لا یحضره الفقیه لابن بابویه، ج ۳، ص ۳۹۱؛ المستدرک علی الصحیحین للحاکم، ج ۴، ص ۶۰۳؛ السنن الکبری للبیهقی، ج ۱، ص ۳۰۸

بله، فرمود: آن از نقصان عقل اوست، آیا این طور نیست که وقتی حائض می شود نماز نمی گزارد و روزه نمی گیرد؟ گفتند: بله، فرمود: آن از نقصان دین اوست! چنین به نظر می رسد که این ها و روایاتی دیگر با این مضمون، یکدیگر را تصدیق و تقویت می کنند، تا جایی که می توان مجموع آن ها با هم را متواتر معنوی دانست.

۲. معنای این روایات - صرف نظر از سندشان - صحیح و موافق با کتاب خداوند است؛ چراکه مراد از «نقصان ایمان زنان»، چیزی جز نقصان اعمال صالح آنان در مقایسه با مردان نیست؛ با توجه به اینکه ایمان در اسلام - بر خلاف پندار «مرجئه» - ترکیبی از عقاید و اعمال صالح است و از این رو، قابل کاهش و افزایش محسوب می شود؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَإِذَا مَا أُنْزِلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُمْ مَّن يَقُولُ زَادَنَاهُ إِيمَانًا ۖ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَرَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ﴿۱﴾ وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ ﴿۲﴾﴾؛ «و هنگامی که سوره ای نازل می شود، برخی از آنان می گویند: کدام یک از شما را ایمانی افزود؟! اما کسانی که ایمان آوردند را ایمانی می افزاید و آنان شادمان می شوند و اما کسانی که در دل هاشان مرضی است را آلالشی بر آلالش شان می افزاید و می میرند در حالی که کافر هستند» و فرموده است: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ﴿۳﴾﴾؛ «مؤمنان تنها کسانی هستند که چون خداوند یاد می شود دل هاشان می ترسد و چون آیاتش بر آنان خوانده می شود ایمان شان افزوده می شود و بر پروردگارشان توکل می کنند» و زنان به سبب ناتوانی شان از نماز و روزه در ایام حیض، امکان کمتری برای عمل صالح در مقایسه با مردان دارند؛ همچنانکه به سبب ناتوانی شان از جهاد در راه خداوند با جان هاشان و نیز انفاق از اموال شان نظر به ناتوانی شان از بسیاری مکاسب جسمانی، کمتر از مردان اعمال صالح انجام می دهند و این به معنای نقصان ایمان آنان در مقایسه با مردان است. از این رو، خداوند مردان را سرپرست زنان دانسته و فضیلت جسمانی و انفاق آنان از اموال شان را دلیل آن شمرده و فرموده است: ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ ﴿۳﴾﴾؛ «مردان سرپرست زنان هستند به سبب فضیلتی که خداوند برخی شان را بر برخی دیگر داده است و به سبب چیزی که از اموال خود انفاق می کنند».

اما به نظر می رسد که مراد از «نقصان عقل زنان» یک «نقصان ذاتی» نیست، بل یک «نقصان عارضی» به معنای نقصان آگاهی و تجربه ای آنان در مقایسه با مردان است؛ چراکه عقل در واقع ترکیبی از هوش، آگاهی و تجربه است، در حالی که زنان به سبب ضعف های جسمانی خود،

۱. التوبة / ۱۲۴ و ۱۲۵

۲. الأنفال / ۲

۳. النساء / ۳۴



کمتر از مردان در زمین سیر می‌کنند و با دیگران ارتباط می‌گیرند و کارهای دشوار و خطرناک انجام می‌دهند و از این رو، طبیعتاً در معرض آگاهی و تجربه‌ی کمتری قرار می‌گیرند؛ چنانکه خداوند فرموده است: «أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ»؛ «آیا پس در زمین سیر نکردند تا برایشان دل‌هایی باشد که با آن تعقل کنند یا گوش‌هایی باشد که با آن بشنوند؟! پس چنین نیست که دیدگان کور باشد، ولی دل‌هایی که در سینه‌هاست کور است»؛ همچنانکه «نقصان بهره‌ی زنان» یک «نقصان حقیقی» نیست، بل یک «نقصان اعتباری» به معنای کمتر بودن نصیب آنان از ارث و دیه در مقایسه با مردان است که از مسؤولیت متفاوت آنان در خانواده با توجه به ضعف‌های جسمانی آنان نشأت گرفته است؛ چراکه خداوند بنا بر قاعده‌ی «لَا يَكْلَفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»^۱ کسی را جز به اندازه‌ی توانش تکلیف نکرده است و توانایی جسمانی زنان مناسب تأمین هزینه‌های زندگی دیگران نیست و از این رو، خداوند بار این مسؤولیت را بر دوش مردان نهاده و در عوض، نصیب آنان از ارث و دیه را دو برابر نصیب زنان قرار داده است تا بتوانند هزینه‌های زندگی خود و خانواده -هر دو- را تأمین کنند. از اینجا دانسته می‌شود که دو برابر بودن نصیب مردان از ارث و دیه، به خاطر دو برابر بودن مسؤولیت آنان در امور مالی نسبت به زنان است و بر خلاف پندار جاهلان، کاملاً عادلانه و حکیمانه محسوب می‌شود.

حاصل آنکه نقصان ایمان زنان نسبت به مردان، به سبب این است که ایمان ماهیتی عملی دارد و زنان از توان جسمی کمتری برای عمل در مقایسه با مردان برخوردارند و نقصان عقل زنان نسبت به مردان، به سبب این است که عقل با آگاهی و تجربه کمال می‌یابد و زنان از توان جسمی کمتری برای کسب آگاهی و تجربه از طریق سفر، ارتباط و کارهای پرمشقت برخوردارند و نقصان بهره‌ی زنان نسبت به مردان، به سبب این است که زنان بر خلاف مردان مکلف به تأمین هزینه‌های زندگی دیگران نیستند، بلکه دیگران مکلف به تأمین هزینه‌های زندگی آنان هستند و با این وصف، نیاز کمتری به دارایی دارند.

۳. مراد از نقصان ایمان و عقل زنان نسبت به ایمان و عقل مردان این نیست که ایمان و عقل همه‌ی آنان از ایمان و عقل همه‌ی مردان کمتر است، بل این است که ایمان و عقل بیشتر آنان از ایمان و عقل بیشتر مردان کمتر است، هر چند ممکن است که ایمان و عقل برخی‌شان از ایمان و عقل بیشتر مردان بیشتر باشد؛ مانند ایمان و عقل مریم علیها السلام که از ایمان و عقل سایر مردم به جز انبیاء و صدیقین بیشتر بود و از این رو، خداوند او را «صِدِّيقَةً» نامیده است.^۳

۱. الحج / ۴۶

۲. البقرة / ۲۸۶

۳. نکه: المائدة / ۷۵.

بنابراین، نقصان ایمان و عقل زنان، یک واقعیّت نسبی درباره‌ی نوع آنان است، نه یک واقعیّت مطلق درباره‌ی آحاد آنان و با این وصف، یک مرد نمی‌تواند صرفاً با استناد به مرد بودنش، ایمان و عقل خود را از ایمان و عقل هر زنی بیشتر بداند؛ زیرا بدون شک ایمان زنی که نماز و روزه‌ی واجبش را ترک نمی‌کند، از ایمان مردی که نماز و روزه‌ی واجبش را ترک می‌کند بیشتر است و عقل زنی که آگاهی و تجربه‌ی بیشتری اندوخته، از عقل مردی که آگاهی و تجربه‌ی کمتری اندوخته کامل‌تر است؛ خصوصاً با توجّه به اینکه زنان اگرچه از برخی اعمال صالح مردان عاجزند، به اعمال صالح دیگری قادرند که از عهده‌ی مردان بر نمی‌آید؛ مانند پرورش فرزند در شکم خود و زایش او با نهایت مشقّت و شیر دادن به او تا دو سال که هرگاه برای خداوند انجام شود، از بزرگ‌ترین اعمال صالح است و چه بسا نقصان ایمان آنان را جبران می‌کند؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفَصَّالَهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدِكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ﴾؛ «و انسان را به پدر و مادرش سفارش کردیم، مادرش او را با رنجی بر روی رنجی حمل کرد و از شیر گرفتنش در دو سال است که من و پدر و مادرش را سپاس گزار، بازگشت به سوی من است!»

۴. کمال یک زن به این است که به همه‌ی تکالیف خود عمل کند، نه اینکه به همه‌ی تکالیف یک مرد عمل کند و با این وصف، زنی که به همه‌ی تکالیف خود عمل می‌کند، کامل و مستحقّ پاداش است؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ^۱ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ^۲ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا^۳﴾؛ «و چیزی که خداوند با آن برخی‌تان را بر برخی دیگر فضیلت داده است آرزو مکنید؛ برای مردان نصیبی از چیزی است که کسب می‌کنند و برای زنان نصیبی از چیزی است که کسب می‌کنند و از خداوند از فضل او طلب کنید، هرآینه خداوند به هر چیزی داناست» و فرموده است: ﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا^۴﴾؛ «و هر کس از مرد یا زن که اعمال صالح انجام دهد در حالی که مؤمن است، پس آنان به بهشت داخل می‌شوند و به آنان کوچک‌ترین ظلمی نمی‌شود» و فرموده است: ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً^۵ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ^۶﴾؛ «هر کس از مرد یا زن که عمل صالحی انجام دهد در حالی که مؤمن است، حتماً او را به حیاتی پاکیزه زنده می‌کنیم و حتماً پاداششان را موافق با بهترین کاری که انجام می‌دادند می‌پردازیم». بنابراین، برای هر زن شایسته است که یک «زن کامل» باشد و برای هر مرد شایسته است که یک «مرد کامل» باشد تا هر یک نقصان دیگری را بپوشاند

۱. لقمان / ۱۴

۲. النساء / ۳۲

۳. النساء / ۱۲۴

۴. النحل / ۹۷

و او را به «انسان کامل» تبدیل کند؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ﴾؛ «آنان پوششی برای شما هستند و شما پوششی برای آنان هستید»، نه اینکه هر یک بخواهد جای دیگری را بگیرد؛ چراکه جهان به هر دو نیاز دارد و تنها با یکی به کمال نمی‌رسد و تفاوت آن دو برای بقاء آن ضروری است.

۵. عبادت مداوم برای زنان ممکن است؛ چراکه عبادت منحصر به نماز و روزه نیست و شامل اعمال دیگری مانند ذکر، دعا، استغفار، تلاوت قرآن و طلب علم درباره‌ی دین، علاوه بر انفاق در راه خدا و همکاری با دیگران در نیکی و تقوا می‌شود که در ایام حیض اشکالی ندارند و با این وصف، زنان می‌توانند کاستی نماز و روزه‌ی خود در این ایام را با افزایش عبادات دیگر جبران کنند ان شاء الله.

خداوند همه‌ی مردان و زنان مسلمان را به مهم‌ترین مصداق عبادتش که شناخت و پیروی خلیفه‌اش در زمین است، موفق فرماید.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشی خراسانی
بیت‌الحدیث

